

چند سخن

نگارش:
کتایون مزداپور

به کوشش
ویدا نداف



۱۳۹۱

مژداپور، کتابون، ۱۳۲۲ :	سرشناسه
: چند سخن / نگارش کتابون مژداپور؛ به کوشش ویدا نداف.	عنوان و پیدآور
: تهران: فروهر، ۱۳۸۹.	مشخصات نشر
: ۳۳۰ ص	مشخصات ظاهری
: ۶-۶۶-۶۳۲۰-۹۶۴-۹۷۸	شابک
: قیبا	وضعیت فهرست نویسی
: کتابنامه به صورت زیر نویس	یادداشت
: دعاها ی زردشتی	موضوع
: جشن ها - زردشتی	موضوع
: نداف، ویدا	شماره افزوده
: ۱۳۸۹ م ۳ / ۱۵۹۰ BL	ردیابی کنگره
: ۲۹۵ / ۸۲	ردیابی دیوبی
: ۲۱۰۶۵۸۵	شماره کتابخانه ملی



مرکز فرهنگی انتشاراتی

فروهر

چند سخن
کتابون مژداپور

به کوشش: ویدا نداف

حروف نگار: بهنام مبارکه - سرور سرداری

شالوده ریز نشانه های اوستایی و پهلوی: بهنام مبارکه

آرایش رویه ها، مدیر و نگارش بر جاب: بهنام مبارکه

لیتوگرافی: قاسم لو / چاپ، صحافی: چاپ واژه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱ / شمارگان: ۱۱۵۰ نسخه

شابک: ۶-۶۶-۶۳۲۰-۹۶۴-۹۷۸

بها: ۱۹۰۰۰ تومان

مرکز فروش:

خیابان انقلاب - خیابان فلسطین جنوبی، شماره ۲۶۱

کدپستی ۱۳۱۵۷۷۳۱۱۵ / تلفن: ۶۶۴۶۲۷۰۴

www.faravaharpublications.ir

تمام حقوق نگاهداری شده و از آن نشر فروهر است.

تکثیر، انتشار و ترجمه ی این کتاب یا بخشی از آن

به هر شیوه بدون مجوز قبلی و کتبی ناشر پیگرد دارد.

فهرست

۹	سر سخن
۱۳	به نام یزد (۱)
۲۰	قدرت پروردگار در شاهنامه (۲)
۲۴	سنت دیریای کهن (۳)
۳۳	تداوم آداب کهن در رسمهای معاصر زرتشتیان در ایران (۴)
۷۱	شب یلدا و جشن خرم‌روز (۵)
۷۷	رسمهای بهدینان (۶)
۸۴	نوروز: پیوندی فرهنگی (۷)
۹۰	نوروزی (۸)
۹۵	نوروز و رستاخیز خانه‌ها (۹)
۱۰۱	آتش افروزی در نوروز (۱۰)
۱۱۴	جشن دوستی (۱۱)
۱۲۰	سده: جشن آتش و کار در گروه (۱۲)
۱۲۴	در انجمن و مازدستان (۱۳)
۱۲۷	حکمت کهن و اساطیر کهنه (۱۴)
۱۳۴	شمع و لنگری (۱۵)
۱۳۸	شکوه مرگ و شور زندگی (۱۶)
۱۴۸	اساطیر مرگ در کیش زرتشتی (۱۷)
۱۶۸	غمگساری (۱۸)
۱۸۱	نیایش برای درگذشتگان (۱۹)
۲۰۰	به یاد بیه رشید (۲۰)

۲۰۵		نخستین استاد (۲۱)
۲۰۹		مهین بانوی زیبا و نامکرر (۲۲)
۲۱۳		به یاد پروین (۲۳)
۲۱۵		خاموشی استاد واژه‌یاب (۲۴)
۲۱۷		به یاد استاد دامادی (۲۵)
۲۲۲		رنج آزادگی و سنتی دیرپای (۲۶)
۲۳۰		در سرای شادروان ارباب شافریون زرتشتی (۲۷)
۲۳۳		بهار و اسطوره یا اسطوره بهار (۲۸)
۲۳۷		از اسطوره تا تاریخ و از تاریخ تا اسطوره (۲۹)
۲۴۷		اسطوره و یادمان بهار (۳۰)
۲۵۹		نشان دست سبز بهار (۳۱)
۲۶۹		سور سخن (۳۲)
۲۹۷		رادی (۳۳)
۳۰۱		شادی زمین (۳۴)
۳۱۴		خاتون واژه‌های غریب (۳۵)
۳۱۸		استاد و دوست (۳۶)
۳۲۲		بنیاد دست‌نوشته‌های کهن (۳۷)
۳۳۱		استمدادی برای زنده داشتن نسخه‌های خطی (۳۸)
۳۳۷		در پیرامون گردهمایی باستانشناسی ایران (۳۹)
۳۴۲		گنج خاک (۴۰)
۳۴۸		گردشگری در چم (۴۱)
۳۵۳		در پای سرو چم (۴۲)
۳۵۶		پیامی برای نجات میراث بزرگ (۴۳)
۳۵۸		پنجاهمین فرزند (۴۴)
۳۶۱		درباره کتاب مستطاب آشیزی (۴۵)
۳۶۳		رسمی قدیمی (۴۶)
۳۶۷		مردی در فراسو در عزیزترین خاطرات من (۴۷)
۳۷۰		اساطیر آینده (۴۸)
۳۷۴		آیا من هم شاهنامه را می‌توانم بخوانم؟ (۴۹)
۳۷۹		خانواده باستانی ایرانی (۵۰)
۳۹۳		ارث در ایران باستان (۵۱)
۳۹۷		زن باستانی زرتشتی (۵۲)
۴۱۱		آواز مرغ سروش (۵۳)
۴۲۲		برگردانی از نیایش همزور (۵۴)

سرخن

چند سخن سخنی چند است از گفته‌ها و شنیده‌ها و نوشته‌هایی که بیشتر به مناسبت‌های ویژه، در جشنهایی شاد و یا سوگواریهایی غمبار فراهم آمده است. خصیصه مشترک این سخنان پراکنده بازگشت آنهاست به باورهای کهن و ارجمند که نویسنده امید دارد به بازگویی و بازآمون کردن گوشه‌هایی از آنها توفیق یافته باشد. این امیدی است دور و سرشار از شوق و نیاز به بیان، چنین است که اگر توفیقی هم در کار باشد، همان کوشیدن در راه تکلیف و یا شادی و ذوق و خوشدلی پرداختن به نوشتن و گفتن آنها، گرچه پُر نقصان و ناتمام، بهره نیکوی نگارنده است؛ و افزون بر آن، آرزوی پراشتیاق برای آن که شما بخوانیدش، که این خود پیرایه‌ای است فزونمایه.

در این مجموعه، که با سپاسداری و نام پروردگار آغاز می‌گردد، دو خطابه قدیمی («سور سخن»: مقاله شماره ۳۲؛ «آوکه نیا» (۱۸)) به فارسی ترجمه شده است. همچنین ترجمه شش قطعه دیگر از نوشتگان پهلوی و پازند («به نام یَزَد» (۱)؛ «رسمهای بهدینان» (۶)؛ نیایش برای درگذشتگان (۱۹)؛ «شادی زمین» (۳۴)؛ «آواز مرغ سروش» (۵۳) و «برگردانی از نیایش هم‌زور» (۵۴)) در آن می‌آید. مناسبت نگارش پاره‌نوشتارهای دیگر، و یا نیز جای

چاپ قبل‌ه‌ریک، در پاورقی ذکر شده است.

ترجمه‌ها و پاره‌نوشتارهای کهن، که خود بخش اصلی چند سخن است، اغلب گزینشی است کمابیش اتفاقی از میان مجموعه پاره‌نوشتارهای متفرق و جدیدتر پهلوی و پازند. چگونگی نگارش و تنظیم این نوع قطعه‌های پراکنده اغلب روشن نیست، اما هر یک ارزش و جایگاهی ویژه دارند و امروزه آسانتر در نسخه‌های چاپی می‌توان آنها را یافت. اصل آنها در دست‌نوشته‌های قدیمی ضبط شده و اثر طبع مردمی است اهل فضل و دین و گمنام. سنتی که این پاره‌نوشتارها را در آخر کتابهای خرده‌اوستا و دست‌نویسهای دیگر اندک‌اندک گرد آورده و سپس مجموعه‌هایی از دعاها و نیایشهای پراکنده از تدوین آنها پدید آمده است، افزون بر دست‌نویسهای پیشینیان، آثارش در چاپهای قدیمی اوستا نیز قابل مشاهده است.

چنین تدوینی را در خرده‌اوستای چاپ آموزنده ابن شیرمرد و دستور موبد رشید خورسند (۱۲۷۰ یزدگردی بمس) می‌بینیم. در این کتاب شمار بسیاری دعا و نیایش به زبانهای متأخر و گاهی تصحیف و دست‌کاری آمده است. امروزه فقط اندکی از این نیایشها را مردم می‌خوانند و می‌پسندند، اما شکل تدوین این کتاب نشان می‌دهد که چگونه در طی قرون و اعصار، بر پیکره اصلی نیایشهای کهن، دعاها و مناجاتهایی تازه به زبانهایی که مفهوم یا محترم بوده است، جمع شده و چگونه دنباله خرده‌اوستای امروزی بتدریج تکوین یافته است. نظرگاه و شیوه کار موبد گردآورنده و سپس نظارت انجمنهای رسمی موبدان در تأیید یا کنار گذاشتن این قبیل نیایشها نقشمند بوده است و هست.

در این فرصت غنیمت، نگارنده بر خود فریضة دلپسندی می‌بیند که با سپاسداری و به دیده منت از بزرگواری خویشاوند بهشتی‌روان خود، فیروزه گشتاسب بهمن محمدآبادی، یاد کند. فیروزه فرزند مرد بیهمتایی است که وجودش خود نمادی از دنیای تاریخی غریبی بود با ارزشهایی باستانی و گمشده. سادگی و صداقت و صفایی دیرینه که سرسختانه از فراسوی تاریخی سرافراز و یگانه، در درازای بیش از

چند سخن
۱۰

صدویست سال زندگانی گشتاسب بهمن چهره می نمود، او را از پذیرفتن هرگونه دگرگونی و نوخواهی ناشناخته و غریب باز می داشت؛ چنان که از تن دادن به گرفتن شناسنامه حتی سر باز زد تا مبادا نامش در دفتر و دیوان آلودگان ثبت گردد! وی آخرین تنی بود که در دادگاه شهر یزد پیکرش به آیین کهن بر سنگ و در فضای خورشیدنگرش نهاده شد. فیروزه گشتاسب بهمن اما درس خوانده و دنیا دیده بود. او با مهربانی و لطف نسخه نایابی از خرده اوستای آموزنده ابن شیرمرد را به بنده اهدا کرد که چونان انگشتر زرین هدایی او، ارزشی ناب دارد و در مجموعه چند سخن نیز بارها به آن ارجاع داده شده و آخرین مقاله از این مجموعه نیز متکی بر همین کتاب و با یاد فیروزه است.

در فراهم آمدن و به چاپ رسیدن چند سخن خانم دکتر ویدا نداف و آقای دکتر موبد رستم وحیدی قبول زحمت فرموده اند. از ایشان و نیز از مهربانی سرکار خانم دکتر سهیلا صارمی و خانم میترا مرادپور سپاسگزارم. آقای بهنام مبارکه مانند همیشه یاور و همکار خوش ذوق و کاردان بنده بوده اند و همچنین خانم سرور سرداری. از همه این بزرگواران و نیز از مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر که بر نشر این مجموعه ناچیز همت گماشته است، سپاسگزاری می کنم.

گرچه بسیاری از این پاره نوشتارها به گرامیانی نازنین قبل از پیشکش شده و یا حتی بویژه برای کسی به نگارش در آمده است، اما نگارنده مباحثات می کند که بر مجموعه این چند سخن نام دوست شکوهمند و سخت عزیز، شادروان دکتر کسرا وفاداری زیور و یادگار باشد؛ به پاس شور زندگانی وی و دلدادگیش به شادی زیستن و شکوهی که آیینهای کهن زرتشتی برای مرگ و حیات می آفریند.

مینو به کام روان باد و گیتی به کام تن، هر یک از نیکان و پاکان و نیک منشان را!

کتابیون مزدابور
امردادگان ۱۳۷۶ یزدگردی